

ویژه

**فقدان منطق در ادعاهای فیدان**



وزیر امور خارجه ترکیه در حالی تلاش کرد دولت ترکیه را نگران مردم سوریه و آینده این کشور نشان دهد و در سایه این تلاش هم انگشت اتهام را به سوی ایران گرفت که باید از او پرسیده شود اشغال جولان سوریه، بمباران بخش‌های مختلف این کشور و پیشروی در آن از سوی کدام رژیم صورت می‌گیرد؟ آیا تمامیت ارضی سوریه را ایران تهدید می‌کند یا رژیم صهیونیستی؟ روابط ایران و ترکیه به عنوان دو کشور همسایه و صاحب تمدن، قدمتی طولانی، تاریخی و آغشته به انواع جنگ‌ها و صلح‌ها دارد. در چهار دهه گذشته این روابط را متغییرهای مختلف متاثر ساخته است اما دو کشور تلاش کرده‌اند ضمن رعایت اصول همسایگی؛ از اثر گذاری دخالت‌های خارجی و سوتفاهمات بر کیفیت این روابط پیشگیری کنند. رویدادهای اخیر در منطقه پس از هفت اکتبر، چنان شتابان این متغییرها را تغییر داد که برای بسیاری از مسئولان، مقامات و نیز تحلیلگران و رسانه‌های کشورهای منطقه فرصت درک درست رویدادها و تصمیم‌گیری و اظهارنظر درباره آن‌ها را نداد. با این همه شتاب تحولات نباید مقامات منطقه را از منطق تحولات دور و به تناقض در اظهارات رهنمون شده و مانند «هاکان فیدان» وزیر امور خارجه ترکیه دچار اشتباه تحلیلی و محاسباتی کند.

**موروی بر اظهارات فیدان واکنش ایران**

وزیر امور خارجه ترکیه روز جمعه ۱۰ اسفند در گفت‌وگوی اختصاصی با شبکه الجزیره عربی، ضمن تشریح تحولات منطقه، در بخشی از سخنان خود ادعاهایی را متوجه جمهوری اسلامی و سیاست منطقه‌ای تهران کرد که با واکنش سخنگوی وزارت امور خارجه ایران روبرو رو شد. فیدان در پاسخ به ادعای حمایت ایران از کردهای سوریه، مدعی شد: «اگر سیاست (ایران) در سوریه این گونه باشد، من تصور نمی‌کنم سیاست صحیحی باشد. اگر شما بخواهید با حمایت از یک گروه در داخل کشوری دیگر ناآرامی ایجاد کنید، کشورهای دیگر هم می‌توانند شما را با حمایت از برخی گروه‌ها آزار دهند. منابع و توانمندی‌هایی که شما (ایران) در اختیار دارید، دیگران نیز در اختیار دارند و اگر می‌خواهید کسی خانه شیشه‌ای شما را با سنگ نزند، به خانه دیگران سنگ نزنید.»

بسه گزارش ایرنا، وزیر امور خارجه ترکیه در بخش دیگری از اظهارات خود درباره ایران به سیاست‌های منطقه‌ای تهران پرداخت و مدعی شد، ایران برای حفظ نفوذ خود در عراق و سوریه، بهایی فراتر از دستاوردهایش پرداخت کرده و از تحولات اخیر درس‌های بزرگی گرفته است.

این بخش از اظهارات فیدان با واکنش سخنگوی وزارت امور خارجه ایران روبرو شد و «اسماعیل بقائی» در پیامی با تاکید بر اینکه ایران در پنج دهه گذشته به دنبال هیچ چاطملی منطقه‌ای نبوده است، نوشت: «همه مددغه ما حمایت از مردم فلسطین و پشتیبانی از آزمون‌های آنان در مبارزه با اشغال و تجاوز و جلوگیری از سلطه اسرائیل بر منطقه بوده است. ما نخستین کشوری بودیم که با کودتا علیه دولت ترکیه مخالفت و با آن مقابله کردیم. ما از جمله نخستین کشورهای بودیم که از کنار گذاشتن سلاح توسط ترکیه، کمک استقبال کردیم و آن را گامی مهم در جهت تقویت امنیت در کشور همسایه خود ترکیه دانستیم. ما در مواضع اصولی خود ثابت‌قدم هستیم و هر روز از سیاستی به سیاستی دیگر تغییر موضع نمی‌دهیم.»

**تناقض در اظهارات فیدان**

گفت‌وگوی نیم ساعته وزیر امور خارجه ترکیه با شبکه الجزیره قطر به ویژه در بخش‌های مربوط به ایران، مجموعه‌ای از تناقض را دربر گرفته که نیازمند بررسی دقیق است.

۱- جمهوری اسلامی ایران بر مبنای سیاست همسایگی از یک سو و تامین امنیت منطقه با همراهی کشورهای منطقه از سوی دیگر، ثبات همه کشورهای همجوار خود را ثبات خود می‌داند و معتقد است ناامنی، ترور و جنگ در داخل مرزهای هر سرزمینی در خاورمیانه همه کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار داده و این ناامنی به منطقه سرزیم می‌شود. تهران مسیر امن حراست از امنیت هر سرزمینی را دولت قانونی آن کشور می‌داند و از این رو زمانی که دولت قانونی سوریه برای حراست از امنیت سرزمینی خود از تهران کمک مستشاری خواست دریغ نکرده و در این کشور با حفظ اصول خود حضور یافت. دقیقاً مشابه همان کاری که در زمان درخواست کمک «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه در جریان کودتای غیرقانونی علیه دولت در سال ۲۰۱۶، انجام داد و این کودتا با شکست روبرو شد.

ایمن رویه کمک به دولت‌های قانونی منطقه در هر زمان و در پی هر درخواستی پابرجاست اما اینکه چرا وزیر امور خارجه ترکیه، کمک به دولت وقت و قانونی سوریه را اشتباه می‌داند اما همان نوع کمک به اراد سیاسی خود، اردوغان را عادمانه نادیده می‌گیرد، بخشی از تناقضی است که در سخنان وزیر امور خارجه ترکیه قابل مشاهده است. اگر کمک به حفظ دولت و رئیس‌جمهوری قانونی کشوری، امری پسندیده است که چرا ایران باید از آن منع و برای آن سرزنش شود و اگر نیست چرا در سال ۲۰۱۶ چنین درخواستی از سوی آنکارا به تهران ارسال شد؟

۲- وزیر امور خارجه ترکیه، تهران را متهم به حمایت از گروه‌های مقاومت می‌کند و این موضع‌گیری عجیب هم حکایت رطب خورده‌ای است که در حال منع رطب است. حمایت ترکیه از گروه‌های ایدئولوژیک (خوانی)، گروه‌های قومی (ترکان)، گروه‌های معترض در لبی، بخش آشکار دکرترین حمایتی آنکارا از گروه‌های مذهبی و قومی خاص است، در بخش پنهان این حمایت‌ها اما گاهی ادعاهایی مبنی بر حمایت مالی و حتی تسلیحاتی از گروه‌های تروریستی چون جبهه‌النصره هم رسانه‌ای شده و پرسشی مهم در آذهان عمومی پدید می‌آورد یا این مضمون که آنکارا خود می‌هیچ آنکار و با افتخار تمام، حمایت خود از گروه جبهه‌النصره قدیم و تحریرالشم جدید را اعلام می‌کند، چرا باید مخالفان این نوع است که جمهوری اسلامی ایران و برخی گروه‌های مقاومت در منطقه را مجموعه‌ای از اصول بنیادین ایدئولوژیک و ژئوپلیتک به یکدیگر پیوند می‌دهد که جنس این پیوند کارگزار- کارفرما نیست و تهران کارگزار این گروه‌ها را نوعی توهمین به آن‌ها و نیز خود می‌داند. تهران نیروی نیابتی ندارد و نیروهای مقاومت به منظور پیشبرد اهداف خود که در بخش‌هایی با اهداف ایران همپوشانی دارد) کنار ایران هستند.

۳- جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته و به اذعان دولت‌های منطقه مهم‌ترین بازوی مبارزه با تروریسم دولتی (رژیم صهیونیستی) و تروریسم گروهی (داعش، القاعده، تحریرالشم و النصره و…) بوده است و به گواه آمار و تاریخ خود بزرگترین قربانی این اقدامات و نگرانی‌هاست. آنکارا تلاش‌های ایران در منطقه برای مقابله با داعش و فروکاستن آن به حفظ منافع سرزمینی، انکار واقعیتی است که در بلندمدت گریبان گیر خود منکران خواهد بود. تهران بزرگترین دشمن تل اوپو به ادعای مقامات این رژیم است و در تمام چهار دهه گذشته به موضوع فلسطین و اسرائیل نه به عنوان مفهومی عربی-یهودی که پدیده‌ای انسانی نگرستی به در راستای این نگرش دربرابر اشغالگری رژیم اسرائیل با هرآنچه در اختیار دارد، ایستاده و تا مرحله درگیری نظامی هم پیش رفته است.

حمله به سیستم پدافندی ایران از سوی اسرائیل در حالی صورت گرفت که آنکارا سیاستی دوگانه و حتی ریاکارانه در قبال جنگ و کشتار مردم بی‌دفاع در غزه در پیش گرفت و با وجود تمام درشت‌گویی‌های اردوغان علیه نتانیاهو، تراز تجاری تل‌آویو-آنکارا تغییر محسوسی پیدا نکرد.

**جایگاه هر واحد سیاسی (کشور) در**

**نظام بین‌الملل به اندازه قدرت آن واحد** بستگی دارد. توزیع قدرت در نظام بین‌الملل میان کشورها یکسان نیست. برخی از دولت‌ها قدرت زیاد و برخی قدرت کم دارند. **آنهاهی که ضعیف‌ترند عموما در معرض تهدید و خطر حمله رقیبا و دشمنانشان هستند اما آنهاهی که قوی‌ترند از امنیت بیشتری برخوردارند** و کمتر در معرض حمله نظامی دیگران قرار می‌گیرند. بنابراین، اندازه قدرت یک کشور جایگاه آن را در ساختار نظام بین‌الملل تعیین می‌کند. در جهان امروز، «قدرت» **حسب اول و آخر را در روابط بین‌الملل می‌زند.**

در روابط بین‌الملل، قدرت بازیگران در مقایسه با قدرت دیگر بازیگران اندازه‌گیری می‌شود. هر بازیگری که قدرت بیشتری داشته باشد توانایی بیشتری برای تضمین بقا و پاسداری از امنیت و منافع خود خواهد داشت. همه دولت‌ها به‌دنبال «بقا» هستند. دولتی نیست که دنبال بقا خود نباشد. همه دولت‌ها در پی افزایش امنیت و بالا بردن قدرت خودند. دولت‌ها خودشان مسئول تامین امنیت خودشان هستند. هرآن احتمال به‌کارگیری زور از سوی دولت‌های قدرتمندتر وجود دارد. بنابراین، دولت‌ها باید همیشه آماده مقابله باشند و گزینه‌های سنگینی پرداخت خواهند کرد.

در جهان آنراشیک کنونی، بازیگران برای پاسداری از امنیت و تامین منافع خود با هم تنها در صورتی با ایران مذاکره خواهند کرد که تضمین‌کننده بقا، حفظ امنیت و تامین منافع چیست؟ قدرت.

قدرت نظامی مهم‌ترین نماد قدرت است اما در روابط بین‌الملل قدرت دربرگیرنده اشکال گوناگون قدرت (نظامی، اقتصادی، تکنولوژیکی و …) است.

روابط بین‌الملل جنگل است. قانونی بر آن حکم‌فرما نیست. هر که زور بیشتری دارد، حق بیشتری دارد. هر که زور بیشتری دارد، امنیت بیشتری دارد. برای امنیت باید قدرت داشت وگرنه قربانی خواهید شد. ایران یک کشور باستانی با تمدن کهن است، ایران هرگاه در درازای تاریخ فرست یافته به قدری بزرگ تبدیل شده است. موقعیت جغرافیایی برجسته و منابع غنی به طور بالقوه این امکان را به ایران می‌دهد که به یک قدرت بزرگ تبدیل شود.

غری‌ها نمی‌خواهند که ایران در ساختار

نظام بین‌الملل دارای قدرت باشد. آنها نمی‌خواهند ایران قدرت نظامی، اقتصادی و تکنولوژیکی داشته باشد. آنها نمی‌خواهند ایران ثروتمند باشد یا بتواند از ثروت‌های طبیعی خود استفاده کند. تحریم‌های اقتصادی، تهدیدهای نظامی و فشار‌های سیاسی به همین علت است. این بستگی به خردمندی ما دارد که اجازه دهیم آنها موفق شوند یا نشوند. درک این نکته می‌گردد که مخالف قدرتمند شدن ایران بوده و هستند دشوار نیست تاریخ گواه است و اثبات آن آسان، هر روز نمونه‌هایی از آن را با گوش می‌شویم و با چشم می‌بینیم.

«ترامپ» چندی پیش در گفت‌وگو با روزنامه اسرائیلی «اسرائیل هیوم» (Israel Hayom) گفت: «اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد؛ زمانی که آنها سلاح هسته‌ای داشته باشند، شما دیگر نمی‌توانید مانند گذشته با آنها حرف بزنید و (ناچار خواهید شد) بسیار متفاوت از اکنون با

**مشکل غرب با ایران چیست؟**

# مساله اقتدار ایران

علی اکبر دارینی



یک ایران قدرتمند را در منطقه استراتژیک غرب آسیا ببینند. آنها نمی‌خواهند ایران دوران شکوه امپراتوری باستان خود را دوباره زنده کند. چرا؟ چون یک ایران قدرتمند با منافع آنها سازگار نیست.

جدا شدن منطقه «فرسو» از خاک ایران و واگذاری آن به ترکیه در دوره رضا شاه «فرسو» در چارچوب قرارداد مرزی ایران و ترکیه در ۲ بهمن ۱۳۱۰ خورشیدی (۲۳ ژانویه ۱۹۳۲میلادی) از خاک ایران جدا شد (و در برابر آن زمین‌هایی در دیگر مناطق غربی به سایر ایران بازگردانده شد). با واگذاری منطقه «فرسو»، ترکیه از راه زمینی آمریکاها نمی‌خواهند ایران قدرتمند باشد. آنها خواهان «خلع سلاح» ایران هستند تا توان دفاع از خود را نداشته باشد. به همین دلیل است که آنها ستون‌های امنیت ملی ایران یعنی برنامه هسته‌ای، قدرت موشکی و پهپادی، و نفوذ منطقه‌ای ایران را هدف گرفته‌اند تا ایران را خلع سلاح کنند. غری‌ها نمی‌خواهند که ایران قدرتمند باشد. آنها یک ایران ضعیف می‌خواهند که مانند ۳ شهریور ۱۳۳۰ (در میانه جنگ جهانی دوم در حالی که ایران اعلان بی‌طرفی کرده بود) در کمتر از یک روز به اشغال نیروهای شوروی و انگلیس درآید. ارتش شاهنشاهی ایران در کمتر از یک روز فرو پاشید و یکی دیگر از روزهای سیاه تاریخ ایران رقم خورد. انگلیسی‌ها شاه ایران را تبعید کردند و پسرش محمد رضا را به جای او بر تخت نشاندند.

غرب می‌خواهد ایران ضعیف باشد تا نتواند از خودش و منافعیش دفاع کند. غرب از این که ایران قدرتمند باشد خشنود و دارد و به همین دلیل تلاش می‌کند جلوی سرمایه‌گذاری خارجی، آبادانی و پیشرفت اقتصادی در ایران را بگیرد. به همین دلیل به قومیت‌گرایی و تجزیه‌طلبی در ایران دامن می‌زند. به همین دلیل …

مشکل غرب با ایران است، نه فقط با نظام جمهوری اسلامی. چه کسی ایران را در ۳ شهریور ۱۳۳۰ اشغال کرد؟ شوروی و انگلیس. آن زمان که جمهوری اسلامی نبود. رضا شاه بود که دست‌نشانده انگلیس بود. حتی یک شاه وفادار به انگلیس نتوانست جلوی اشغال ایران به دست همان قدرت بیگانه را بگیرد.

چرا؟ چون ایران ضعیف بود. ایران نه آمادگی دفاع داشت و نه توان دفاع از خود را داشت. غری‌ها – هر ابرقدرت یا قدرت بزرگ – قدرت‌گیری ایران هراس دارند و مایل نیستند

یک دوره فتمعلی شاه «عهدنامه ازروم دوم» در سال ۱۸۴۷ در دوره محمد ششاه و جدا شدن بخش‌هایی از کردستان (عراق و ترکیه امروزی) از خاک ایران «عهدنامه پاریس» در سال ۱۸۵۷ در دوره ناصرالدین شاه و جدا شدن هرات و افغانستان امروزی از خاک ایران «قرارداد گلداسمیت» در سال ۱۸۷۰–۱۸۷۲ در دوره ناصرالدین ششاه و جدا شدن پاکستان امروزی از خاک ایران «پیمان اخال» در سال ۱۸۸۱ در دوره ناصرالدین شاه و جدا شدن بخشی از خراسان بزرگ (ترکمنستان و ازبکستان امروزی) از خاک ایران

چه شاه در ایران بر سر کار باشد و چه امام خمینی، چه حکومت شاهنشاهی باشد و چه جمهوری اسلامی، هر حکومت با هر ساختار سیاسی که در ایران بر سر کار باشد، اروپا و آمریکا (قدرت‌های بزرگ روزگار در هر زمان نمی‌خواهند ایران قوی باشد. چین و روسیه هم نمی‌خواهند ایران قوی باشد. پاکستان مانند پاکستان، عراق یا چین و روسیه قطع ارتباط زمینی ایران با ارمنستان است – تهدیدی علیه امنیت ملی و منافع استراتژیک ایران به شمار می‌رود.

**جدا شدن بحرین**

جدا شدن بحرین از خاک ایران در سال ۱۳۴۹ خورشیدی (۱۹۷۰) گسواه روشن دیگری است که نشان می‌دهد قدرتهای بزرگ در پی محدود کردن قدرت ایران هستند حتی اگر دولت ایران وابسته به آنها باشد. دولت محمد رضا شاه پهلوی سرسپرده به انگلیس بود.اما همان انگلیس نقش کلیدی در جدایی بحرین از خاک ایران داشت. سرسپردگی به انگلیس جلوی جدا شدن بخشی از خاک ایران از سرزمین مادری را نگرفت. اگر بحرین از ایران جدا نشده بود، هر دو سوی آبهای تیلنگون خلیج فارس آبهای سرزمینی ایران بودند و هر کشتی که می‌خواست از خلیج فارس بگذرد باید عوارض ایران را بپردازد. سرزمین مادری ایران ضعیف بود. اما سرزمین مادری را ضعیف می‌کرد که منبع درآمدی بزرگی بود. انگلیس ایران تسلط کامل بر شرایط نامعلوم بودن قرار می‌دهند. کشوری که قدرت ندارد حرف زور خواهد شنید و تحقیر خواهد شد. اگر خواهان صلحی، همواره آماده جنگ باش. ضعیف بودن دعوت از دشمن به حمله است. اگر ضعیف باشید، جنگ به شما تحمیل خواهد شد.

**چاره چیست؟**

«پیشینه‌سازی قدرت». دولت‌های خردمند سرنوشت و امنیت خود را به دیگران واگذار نمی‌کنند. دولت‌هایی که می‌پذیرند ندار و ضعیف باشند سرنوشت خود را به‌دست دیگران می‌سپارند و کنترشان را در شرایط نامعلوم بودن قرار می‌دهند. کشوری که قدرت ندارد حرف زور خواهد شنید و تحقیر خواهد شد. اگر خواهان صلحی، همواره آماده جنگ باش. ضعیف بودن دعوت از دشمن به حمله است. اگر ضعیف باشید، جنگ به شما تحمیل خواهد شد.

## چالش ترکیه با وضعیت داخلی سوریه

در همین زمینه، آرون لوند، عضو اندیشکده آمریکایی سنسچری اینترنشنال (Century International) گفت: در حال حاضر ترس بزرگ اسرائیل این است که ترکیه وارد عمل شده و از وضعیت جدید سوریه دفاع کند. وی ادامه داد: این اقدام ممکن است سوریه را به پایگاهی برای حماس و دیگر جنبش‌های ضد اسرائیلی تبدیل کند. لوند افزود: اسرائیل شانس خوبی برای تأثیرگذاری بر تفکر آمریکایی دارد. با این وجود، سوریه در حال حاضر به سختی در مرکز توجه ترامپ قرار دارد و جزء اولویت‌های ترامپ محسوب نمی‌شود. به تصریح منابع آگاه، مشخص نیست دولت ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا تا چه حد خواهان پاسخ مثبت به درخواست اسرائیل است. آنها اظهار کردند: اسرائیل به صورت آشکار بی‌اعتمادی خود را به هیات تحریرالشم، اعلام کرده است.



راه حل دو کشوری حمایت کرد. وی افزود: در این جنگ، اسرائیل علیه فلسطینی‌ها مرتکب جنایت بزرگی شده و خطوط قرمز اخلاقی را رد کرده است. دوگین در آخر تأکید کرد: روسیه با هر گونه آوارگی یا پاکسازی قومی در

دوشنبه ۱۳ اسفند۱۴۰۳- ۲رمضان ۱۴۴۶ - ۳ مارس ۲۰۲۵ - سال بیست‌و‌چهارم - شماره ۶۴۹۱

استر انژیک

**جایگاه ویژه دیپلماسی همسایگی برای ایران**

**گروه دیپلماسی:** معاون سیاسی وزیر امور خارجه با اشاره به دیدارهای خود با مقامات اماراتی تصریح کرد، همسایگان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جایگاه ویژه ای دارند.

مجید تخت‌روانچی با انتشار پستی در شبکه ایکس نوشت: «به نازیگی از ابوظبی برگشتم. در چارچوب دور اول رایزنی‌های سیاسی بین دو کشور، دیدار طولانی و پرباری با لانا نصیبه، معاون وزیر امور خارجه امارات متحده عربی داشتم.»

وی افزود: «همچنین با خلیفه شاهین، وزیر مشاور در امور خارجی و انور قرقاش، مشاور دیپلماتیک رئیس‌جمهور، دیدار کردم.»

در تمامی دیدارها، طرفین اشتیاق خود را برای گسترش روابط بویژه در زمینه اقتصادی نشان دادند.» تخت‌روانچی ادامه داد: «همسایگان در سیاست خارجی ما جایگاه ویژه‌ای دارند. از طریق دوستی و همکاری می‌توانیم آینده بهتر و مرفه تری را برای منطقه خود بسازیم.»

کنسولی

**انتقال ۱۳۰زندانی ایرانی از عراق**

**گروه دیپلماسی:** بدنبال تلاش‌ها و پیگیری‌های سفارت کشورمان در بغداد، ۱۳۰ تن از محکومین ایرانی در عراق، به داخل کشور منتقل شدند.

بدنبال تلاش‌ها و پیگیری‌های چند ماهه سفارت جمهوری اسلامی ایران در عراق و همچنین مساعمت‌های دولت عراق، با هماهنگی به عمل آمده میان وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری کشورمان، در روز چهارشنبه ۱۴۰۳/۱۲/۰۸ تعداد ۱۳۰ تن از محکومین ایرانی در عراق، در چارچوب موافقتنامه انتقال محکومین میان دو کشور و حضور برخی از مسئولین کشورمان، از طریق مرز زمینی مهران به داخل کشور منتقل شدند.

این اقدام در چارچوب وظایف قانونی وزارت امور خارجه در رسیدگی به وضعیت اتباع ایرانی خارج از کشور و همچنین ارائه خدمات و حمایت‌های حقوقی و کنسولی به آنها صورت گرفته است.

اکتونوبیک

**اندیشکده «بنیاد تحقیقات ناظر» برسی کرد سونیفت، سلاحی در جنگ اقتصادی**



سیستم سونیفت به طور کلی به عنوان سیستمی برای سلاسه‌سازی تراکنش‌ها در سطح جهانی در نظر گرفته می‌شود، اما در نهایت از آن به عنوان سلاحی برای آسیب رساندن به اقتصاد برخی کشورها مانند روسیه استفاده شد. اندیشکده «بنیاد تحقیقات ناظر» در گزارشی درباره بحث پیرامون استفاده از فناوری در انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده از دلار به عنوان مطرح شده می‌نویسد: کشورهای بریکس به دنبال کاهش وابستگی بیش از حد به دلار و استفاده از دلار به عنوان ارز مشترک هستند.

موضوع دلارزدایی تقریباً یک دهه است که در مرکز بحث‌ها قرار دارد. در سال ۲۰۱۵، بساراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، اولین کسی بود که در مورد آینده دلار هشدار داد. او گفته بود که اگر ایالات متحده از برجام خارج شود، تأثیر نامطلوبی بر دلار خواهد داشت. او همچنین پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده از دلار به عنوان مطرح شده می‌نویسد: کشورهای بریکس به دنبال کاهش وابستگی بیش از حد به دلار و استفاده از دلار به عنوان ارز مشترک هستند.

موضوع دلارزدایی تقریباً یک دهه است که در مرکز بحث‌ها قرار دارد. در سال ۲۰۱۵، بساراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، اولین کسی بود که در مورد آینده دلار هشدار داد. او گفته بود که اگر ایالات متحده از برجام خارج شود، تأثیر نامطلوبی بر دلار خواهد داشت. او همچنین پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده از دلار به عنوان مطرح شده می‌نویسد: کشورهای بریکس به دنبال کاهش وابستگی بیش از حد به دلار و استفاده از دلار به عنوان ارز مشترک هستند.

موضوع دلارزدایی تقریباً یک دهه است که در مرکز بحث‌ها قرار دارد. در سال ۲۰۱۵، بساراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، اولین کسی بود که در مورد آینده دلار هشدار داد. او گفته بود که اگر ایالات متحده از برجام خارج شود، تأثیر نامطلوبی بر دلار خواهد داشت. او همچنین پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده از دلار به عنوان مطرح شده می‌نویسد: کشورهای بریکس به دنبال کاهش وابستگی بیش از حد به دلار و استفاده از دلار به عنوان ارز مشترک هستند.

موضوع دلارزدایی تقریباً یک دهه است که در مرکز بحث‌ها قرار دارد. در سال ۲۰۱۵، بساراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، اولین کسی بود که در مورد آینده دلار هشدار داد. او گفته بود که اگر ایالات متحده از برجام خارج شود، تأثیر نامطلوبی بر دلار خواهد داشت. او همچنین پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده از دلار به عنوان مطرح شده می‌نویسد: کشورهای بریکس به دنبال کاهش وابستگی بیش از حد به دلار و استفاده از دلار به عنوان ارز مشترک هستند.

موضوع دلارزدایی تقریباً یک دهه است که در مرکز بحث‌ها قرار دارد. در سال ۲۰۱۵، بساراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، اولین کسی بود که در مورد آینده دلار هشدار داد. او گفته بود که اگر ایالات متحده از برجام خارج شود، تأثیر نامطلوبی بر دلار خواهد داشت. او همچنین پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده از دلار به عنوان مطرح شده می‌نویسد: کشورهای بریکس به دنبال کاهش وابستگی بیش از حد به دلار و استفاده از دلار به عنوان ارز مشترک هستند.

موضوع دلارزدایی تقریباً یک دهه است که در مرکز بحث‌ها قرار دارد. در سال ۲۰۱۵، بساراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، اولین کسی بود که در مورد آینده دلار هشدار داد. او گفته بود که اگر ایالات متحده از برجام خارج شود، تأثیر نامطلوبی بر دلار خواهد داشت. او همچنین پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده از دلار به عنوان مطرح شده می‌نویسد: کشورهای بریکس به دنبال کاهش وابستگی بیش از حد به دلار و استفاده از دلار به عنوان ارز مشترک هستند.

موضوع دلارزدایی تقریباً یک دهه است که در مرکز بحث‌ها قرار دارد. در سال ۲۰۱۵، بساراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، اولین کسی بود که در مورد آینده دلار هشدار داد. او گفته بود که اگر ایالات متحده از برجام خارج شود، تأثیر نامطلوبی بر دلار خواهد داشت. او همچنین پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده از دلار به عنوان مطرح شده می‌نویسد: کشورهای بریکس به دنبال کاهش وابستگی بیش از حد به دلار و استفاده از دلار به عنوان ارز مشترک هستند.